



# اهمیت کتاب و کتابخانه و تأثیر مطالعه در روند تکامل جامعه از دیدگاه اسلام و قرآن

غفور امانی (دانشجوی دکتری کتابداری)



نوع نگارش کتابها در طول تاریخ متفاوت بوده و تدریجاً تکامل یافته‌اند. تاریخچه خطی که در نگارش به کار می‌رود به چند مرحله بزرگ تقسیم می‌شود.<sup>۲</sup> مرحله اول یعنی تصویر نگاری یا بیان هر فکر به وسیله تصویر؛ حدود ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، نوعی نوشتار از نوع "تصویرنگاری" رایج بوده است. بعد از عصر تصویرنگاری "مرحله اندیشه‌نگاری" فرا رسیده است. در این مرحله، افکار به کمک تصاویر بیان می‌شد. اما هر تصویر لزوماً مبین مفهوم انحصاری آن تصویر

تدابیر گوناگونی را که بشر طی قرون متمادی برای حل مشکلات خود اندیشیده و بدانها توسل جسته است و یا اطلاعاتی را از محیط خود کسب کرده و بر دانایی و آگاهی خویش افزوده است، جهت استفاده خود و دیگران به نحوی مثبت، ذخیره و بسایگانی نموده است و به عنوان ارث به بازماندگان خود سپرده است. شکل بخصوصی از این یادداشتها را که بر روی کاغذ نوشته شده و جلد گردیده است کتاب می‌گویند.<sup>۱</sup>

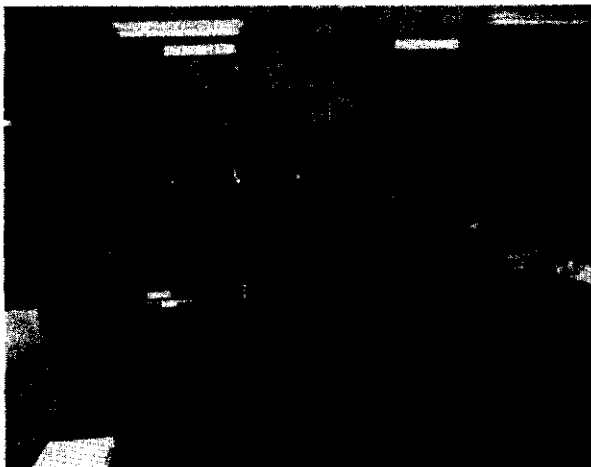


خارج شد.

اولین کتاب چاپی در ایران، کتاب مذهبی "ساقموس" است که در سال ۱۰۴۷ هـ.ق در جلفای اصفهان به چاپ رسیده است. دومین کتاب چاپی در ایران، کتابی به نام "هرانتس وارک" یا سرگذشت پدران روحانی است و سومین کتاب چاپی در ایران، کتاب "نماز خواص" است که در سال ۱۰۵۱ هـ.ق در ۴۸ صفحه به چاپ رسیده است.

وقتی کتابی در دست می‌گیریم و به آسانی از آن استفاده می‌کنیم در واقع مدیون میراث عظیم و گرانقدری هستیم که محصول تلاش هزاران هزار انسان در طول قرن‌هاست.

اما در عربستان و قبل از ظهور اسلام، موقعیت قبایل عرب در حال کوچ، که خانه و مسکن ثابتی نداشتند و پیوسته در حال جنگ و ستیز با یکدیگر بودند پیدایش و توسعه سواد را در بین آنان ایجاب نمی‌نمود<sup>۳</sup> به این جهت تنها وسیله ارتباط بین اعراب "مکالمه" بود<sup>۴</sup> و زبان کتبی رایجی به صورت امروزی وجود نداشت. بلکه تبادل اطلاعات در بین آنان از راه شفاهی صورت می‌گرفت به این جهت بود که حافظه قوه یادآوری در بین آنان قوی بود و ذخیره و ثبت و ضبط مطالب در حافظه آنان صورت می‌گرفت. شعرا برای جلوگیری از فراموشی شعر خود از افرادی به نام "راوی" که در حفظ شعر ماهر بودند استفاده می‌نمودند و راویان کار کتاب یعنی ذخیره اطلاعات را بر عهده داشتند و در حقیقت آنها کتابهای متحرک، جان‌دار و ناطق بودند. بدین ترتیب، مطالب اطلاعاتی، سینه به سینه و به صورت شفاهی، به دیگران منتقل می‌شد و چون کتابت و خط در عربستان رایج نبود، مردم عربستان پیش از ظهور اسلام تقریباً در بیسوادی کامل به سر می‌بردند.



نبود بلکه مفهوم دیگری را نیز می‌رساند. مثلاً تصویر خورشید علاوه بر خورشید، مبین نور، روشنایی و روز نیز بود. بعد از این، "مرحله واژه‌نگاری" بوجود آمد. در این روش هر واژه با نشانه‌های معین نوشته می‌شد که ممکن است تصویر یک شی یا یک علامت قراردادی باشد. در پی واژه‌نگاری، "دوره آوانگاری" رسید. در آوانگاری، هر تصویر نمودار صدایی معین بود آخرین مرحله تکامل خط "هجانویسی" بود. در هجانویسی، هر هجا، نشانه‌های معین داشت مانند خط میخی. سپس "مرحله الفبایی" رسید که در آن هجاها نیز به نوبه خود تجزیه شده و هر صوتی با نشانه‌ای مشخص می‌شد. انسان عصر حاضر از این خط بهره می‌گیرد.

خط ایرانیان دوره هخامنشی میخی بوده که ۴۲ نشانه داشته است. پس از غلبه یونانیان بر ایران، خط آرامی رایج شد. در زمان ساسانیان خط اوستایی مرکب از ۴۴ حرف ابداع شد که بیشتر برای خواندن اوستا به کار می‌رفت و نیز خط پهلوی ساسانی که ۲۵ حرف داشت به کار می‌رفت. پس از ظهور اسلام و نفوذش در ایران الفبای کنونی جایگزین آن شد.

کتاب نیز در مسیر تکامل خود، برای رسیدن به شکل کنونی مراحلی را پشت سر گذاشته است. که مراحل تحول و تکامل آن عبارتند از سنگ نبشته، الواح فلزی، لوح گلین، لوح چوبین، تومار پاپیروس، تومار چرمین، کتاب پوستی و کتاب کاغذی.

رواج کتاب به شکل کنونی مدیون کاغذسازی چینی‌هاست که در سال ۱۰۵ میلادی کاغذ به وسیله تسای لون اختراع شد.

مرکب هم در سال ۴۴۰ میلادی توسط چینی‌ها از دوده چراغ‌های روغن‌سوز ساخته شد. در قرن دوم هجری، ایرانیان صنعت کاغذسازی را از چینی‌ها آموختند و به ساختن کاغذ پرداختند. مسلمانان صنعت کاغذسازی را از چینی‌ها یاد گرفتند و حدود ۴۰۰ سال بعد، اروپائی‌ها صنعت کاغذسازی را از مسلمین یاد گرفتند.

یوهان کسفلایش که بعدها گوتنبرگ نامیده شد در قرن ۱۵ میلادی دستگاه چاپ را اختراع کرد و اولین کتابی که به چاپ رساند "تقویم نجومی" بود که در سال ۱۴۴۱ میلادی تهیه شد لکن مشهورترین کتابی که گوتنبرگ چاپ نمود "کتاب مقدس" بود که در ۱۲۰۰ صفحه قبل از سال ۱۴۵۶ میلادی از چاپ



گفته شده است که کمی پیش از ظهور اسلام "حرب ابن امیه" و پسرش "ابوسفیان" خط عربی را از سوریه به حجاز وارد کردند و "حرب" برای اولین بار خط عربی را تحت نظم درآورد و به آن سر و صورت داد.<sup>۵</sup>

در جنگ "اطلح"، "صالح بن زیاد" گروهی کاغذساز از چین به سمرقند آورد و صنعت کاغذسازی در سمرقند رواج یافت. به طوری که "ابوعلی کاغذی" و "هلال بن محسن صابی" متوفای ۴۸۸ هجری، از کاغذسازان به نام آن روزگار بوده‌اند.

انتقال اطلاعات به صورت شفاهی، به تناسب ماهیت و پیچیدگی‌اش، مستلزم تماس بین دوتن یا بیشتر و اغلب طولانی و ممتد بوده و غالباً محتاج مدت زمان بود. که انتقال‌دهنده اطلاعات، مطمئن شود که گیرنده اطلاعات، مطالب را به حافظه خود سپرده است و می‌تواند آنرا به دیگری منتقل نماید.<sup>۶</sup>

با نزول قرآن و ظهور اسلام، مسأله خواندن و نوشتن در عربستان، اهمیت خاصی به خود گرفت. در اهمیت کتابت در اسلام، همین بس است که خداوند به قلم و کتابت که از عظیم‌ترین نعمت‌های الهی است که بشر را به آن هدایت فرموده، سوگند یاد می‌کند. چون به وسیله قلم و کتابت، حوادث غایب از انظار را و معانی نهفته در درون دلها را ضبط می‌کند و انسان به وسیله قلم و نوشتن می‌تواند هر حادثه‌ای را که در پس پرده مرور زمان و بُعد مکان قرار گرفته، نزد خود حاضر سازد.<sup>۷</sup>

**«وَالْقَلَمَ وَمَا يَسْطُرُونَ»**

(سوره قلم - آیه ۱)

(نون، به قلم و آنچه می‌نویسد سوگند)

بنا به نص صریح قرآن، حضرت محمد (ص) که قبل از پیامبری، خواندن و نوشتن بلد نبود و در بیسوادی کامل بسر می‌برد، قرآن به عنوان معجزه رسالت آن حضرت معرفی شد. به طوری که حضرت محمد (ص)، آنچه را که از جانب خدا بر آن حضرت وحی می‌شد به حافظه خود می‌سپرد و آن را بر مردم تلاوت و قرائت می‌نمود. تا آنها نیز وحی الهی را به حافظه خویش سپرده و به دیگران منتقل بنمایند و بدین طریق مسأله قرائت کتاب در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردید.

**«وَاتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ»**

(سوره کهف - آیه ۲۷)

(و آنچه از کتاب خدا بر تو وحی شده، بر خلق تلاوت کن).

چون کتاب ابزار مناسبی برای تغییر فرهنگ است و یکی از عواملی است که به کمک آن می‌توان عناصر جدید فرهنگی را در ذهن خواننده انتقال داد و ترکیب جدیدی را در او ایجاد کرد. جهت آموزش و دگرگون کردن عقاید مردم آن زمان از کتاب (قرآن) استفاده شد. چون آن می‌توانست آموزش دهد، استدلال و منطق بیاموزد، عقاید فرد را دگرگون کند و در او قدرت تفکر منطقی ایجاد نماید.<sup>۸</sup>

از طرف دیگر، چون حافظه انسان قادر به نگهداری و ذخیره مقدار محدودی از داده‌ها می‌باشد،<sup>۹</sup> انتقال اطلاعات به صورت شفاهی، کم‌کم و تدریجی صورت می‌گرفت تا اطلاعات موجود در حافظه قاطی نشده و فراموش نشود. و هنگام انتقال، به طور سهل و به صورت دقیق و صحیح انجام بگیرد و فزونی و کاستی در اطلاعات، هنگام ارائه آن، پیدا نشود. و یکی از علل نزول تدریجی قرآن را بر حضرت رسول اکرم (ص) همین امر می‌توان ذکر کرد.

**«وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْتَبٍ وَ تَرْتِلًا تَنْزِيلًا»**

(سوره بنی‌اسرائیل - آیه ۱۰۶)

و قرآن را جزء جز بر تو فرستادیم که تو نیز بر آمنت به تدریج قرائت کنی. این قرآن کتابی از تنزیلات بزرگ ماست و مشتمل بر حقایق و علوم بیشماری است. در زمان ظهور اسلام، به علت کم بودن تعداد باسواد، حضرت پیامبر (ص) مردم را به حفظ قرآن تشویق می‌نمودند و با نزول قرآن و ظهور اسلام، مسأله خواندن و نوشتن در بین مسلمانان اهمیت خاصی به خود گرفت.

به همین سبب مسلمانان در فکر ثبت آموخته‌های خود شدند و آنچه در حافظه خود داشتند بر کتاب ثبت کردند تا این اطلاعات و آگاهی‌ها به طور دقیق و صحیح بر دیگران منتقل شود و مورد استفاده سایرین قرار گیرد.<sup>۱۰</sup>

از طریق نوشتار، اطلاعات به شیوه عینی نگاشته شده و در تمامی شرایط زمانی و مکانی، بزرگی کلیه افرادی که بتوانند آنرا بخوانند قابل استفاده می‌گردد. زیرا اطلاعات مفید و تحقیقات ارزشمند هم‌چون گوه‌های گرانبها باید در خزانه گنجینه نگهداری شود.



پیامبر بزرگوار اسلام، آیاتی را که از جانب خداوند بر وی نازل می‌شد به حافظهٔ مبارکش می‌سپردند و سپس آنها را بر مردم می‌خواندند. کتابان وحی، آیات تلاوت‌شده توسط حضرت رسول اکرم (ص) را نوشته و ثبت می‌کردند. همانطوریکه محققین گفته و نوشته‌اند "حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)" و "ابی بن کعب" و "زیدبن ثابت" به خاطر ملازمت همیشگی‌شان با حضرت پیامبر (ص) در کتابت وحی نقش داشتند و نامه‌های رسمی آن حضرت، اکثراً بر روی پوست آهو صورت گرفته است.<sup>۱۳</sup> و پس از رحلت حضرت پیامبر (ص)، حضرت علی (ع)، ظرف شش ماه، قرآن را به صورت "مُصَحَّف" جمع‌آوری نمودند.<sup>۱۴</sup>

در فرهنگ پربار مکتب اسلام، کتاب و مطالعهٔ آن پایگاهی بس ارجمند دارد. چون آنانکه کتابهای بیشتری می‌خوانند به لحاظ کیفی، عمرشان بسیار طولانی‌تر از چیزی است که شناسنامه‌هایشان نشان می‌دهد و افراد بدون مطالعه علی‌رغم افزایش سن "کودک" باقی می‌مانند. به همین جهت است که در اسلام یک ساعت تفکر، بهتر از هفتادسال عبادت تلقی شده است و در بیان اهمیت مطالعه و خواندن در اسلام همین بس است که اولین آیه‌ای که بر حضرت پیامبر (ص) نازل شد خود تأکید بر خواندن داشت.

﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ. خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ. إِقْرَأْ وَ رَبِّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾

(سوره علق - آیات ۴-۱)

(ای پیامبر، بنام پروردگارت خواندن را آغاز کن. پروردگاری که آفریننده است. انسان را از خون بسته و لخته شده آفرید. بخوان، ای پیامبر، پروردگار تو کرامتش نامحدود است.)

با مطالعهٔ کتاب، گسترهٔ اندیشه‌های انسان به نحو بارزی افزایش می‌یابد و انسان با تبادل افکار و اطلاعات و کسب معلومات و آگاهی‌های جدید به کمال می‌رسد.<sup>۱۵</sup> و با شناخت خود و محیط اطرافش به شناخت واقعی و حق نایل می‌گردد.

﴿مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ﴾

(هرکسی خود را شناخت به تحقیق خدای خود را هم شناخت.) انسان با خواندن مطالب مشبوت و مضبوط در کتابها و مَحْتَمَل‌های دیگر. چون میکروفرم‌ها و دیسکت‌ها، فطرتاً به اطلاعات و آگاهی‌های جدید و تازه دست می‌یابد و با کشف

آنهايي که فقط بر حافظهٔ خویش متکی می‌شوند، سرانجام با گذشت عمر و فرا رسیدن آفت فراموشی، زحمات چندین و چندسالهٔ خود را به باد می‌دهند. یادداشت و نگهداری اطلاعات، گامی اساسی در انجام پژوهش‌های علمی است از این رو، اغلب محققان و دانشمندان با تحمل زحمت ضبط و نگارش، دستاوردهای پرقيمت کاوشها و کنکاش‌های علمی خویش را نه تنها برای مطالعات بعدی خود، بلکه برای استفاده پژوهندگان دیگر، ذخیره و ثبت می‌نمایند.<sup>۱۱</sup> چون تمام طول زندگی شخصی انسان، نمی‌تواند تجربیاتی را به او انتقال دهد که یک کتاب خوب انتقال می‌دهد.

بدین سبب بود، کلام الهی که کامل‌ترین اطلاعات را دربر دارد، بعد از ظهور اسلام در عربستان نوشته شد و قرآن اولین کتابی بشمار می‌رود که به خط عربی بعد از ظهور اسلام نوشته شده است و جهت مطالعهٔ مردم، نسخه‌های متعددی از آن تهیه شده و در مساجد برای استفادهٔ همگان نگهداری گردیده است.<sup>۱۲</sup>

همانطوریکه مساجد اولین محل تعلیم و تربیت در اسلام بودند، اولین محل نگهداری کتاب نیز بودند. چون خود حضرت رسول اکرم (ص) مردم را به نوشتن تشویق می‌نمودند تا با تحریر اطلاعات و آگاهی‌ها دیگران برای آسایش خود و کسب فیض و جهت افزودن معلومات خویش از آنها استفاده نمایند. حدیثی را از حضرت بنی‌اکرم (ص) در این مورد نقل می‌کنند که اهمیت تألیف و تحریر کتاب را در اسلام به خوبی نشان می‌دهد.

﴿قَيِّدْ و الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ﴾

(علم را با نوشتن به بند بکشید)

چون انسان هر چقدر هم از نظر حافظه قوی و توانا باشد با مرور زمان، نسیان و فراموشی در او پدیدار می‌گردد. و با مرگ، اطلاعات موجود در حافظه محو و از بین می‌رود. در نقل اطلاعات توسط دیگران، ممکن است دخل و تصرفی بوجود آید، به همین سبب است که در اسلام بر نوشتن و ثبت اطلاعات، جهت مصون و در امان ماندن اطلاعات و آگاهی‌ها، از خطرات تحریف و نسیان، تأکید فراوان شده است.

﴿كُلُّ شَيْءٍ نَيْسٌ فِي الْقُرْطَاسِ ضَاع﴾

(هر مطلبی که در کاغذی به رشته تحریر نیاید زوال می‌یابد و تلف می‌شود)



مجهولات عذیده عالم خلقت، به ناتوانی خود و به قدرت و عظمت خالق بی‌همتا، علیم، خبیر، حکیم و مقتدر پی می‌برد و به وجود حق یقین حاصل می‌کند. ۱۶ و حدیثی داریم که در آن کتاب را به گل و کتابخانه را به گلستان و بوستان تشبیه نموده‌اند.

**«الْكَتُبُ بَسَائِرُ الْعَالَمِ»**

(کتابها و کتابخانه‌ها، باغ و بوستان دانشمندان هستند).  
چه خوب و سزاوار است که انسان عمر خود را با مطالعه و کسب معلومات و با تحصیل علم سپری کند و از مادیات بپرهیزد و وجود خود را به زیور علم و معنویات آراسته گرداند. چون در نزد پروردگار عالم، آنانی که کسب علم می‌کنند و به تفکر و تعقل می‌پردازند عزیز و گرامی‌اند. و از قرب و منزلت خاصی برخوردارند.

**«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»**

(سوره زمر - آیه ۹)

(ای پیامبر بگو آیا آنانی که می‌دانند و آنانی که نمی‌دانند برابرند؟)  
دین مبین اسلام، ترقی جامعه و یافتن شناخت بر وجود حق را در گرو مطالعه افراد می‌داند. چون مطالعه به انسان آگاهی می‌دهد و انسان آگاه با چشم بصیرت بر جهان می‌نگرد و در هر چیزی که نگاه می‌کند وجود خدا و قدرت او را مشاهده می‌کند ولی انسان ناآگاه هرچند که ظاهراً چشم دارد ولی چون واقفیت و وجود حق را در خود و اطرافش نمی‌تواند ببیند و درک کند نابینایی بیش نیست و قرآن چنین فرد را کور خطاب می‌کند و کور و بینا را برابر و یکسان نمی‌داند.

**«وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ»**

(سوره فاطر - آیه ۱۹)

**(هرگز نابینا با بینا مساوی نیستند)**

چون انسان با مطالعه کتاب می‌تواند آگاهی یابد، وسعت دید پیدا کند و بهتر با واقعیات روبرو گردد و با پی‌ریزی بر آینده، بر اساس شناختی که در اثر مطالعه از خود و دنیای اطراف خود بدست می‌آورد، ضمن آگاهی یافتن از تغییرات و تحولات تازه جامعه و دنیا، در حیطة معنویت نیز بر دیگران برتری می‌یابد و موجب دگرگونی جامعه و رستگاری خود در دنیا و آخرت می‌گردد. حضرت مولای متقیان علی بن ابیطالب (ع) در این مورد فرموده است:

**«أَيُّهَا النَّاسُ اإِعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ. أَلَا وَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ أَوْجِبَ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبِ الْمَالِ»**  
(ای مردم بدانید که دین هنگامی کامل و درست است که علم بیاموزید و علم خود را بکار بندید. آگاه باشید که تحصیل علم واجب‌تر از تحصیل مال است.)

از حدیث مذکور می‌توان استنباط کرد که در سایه علم، ایمان کامل می‌شود. چون انسان جاهل، در دنیای تاریک و ظلمت جهل بسر می‌برد. ولی انسان عالم، با مطالعه و کسب علم به فلسفه آفرینش پی می‌برد و به وجود خالق مقتدر و مدبر و حکیم و دانا یقین حاصل می‌کند به دستورات الهی عمل می‌کند و به دنیای روشن و شناخت قدم می‌گذارد. و ایمان به وجود حق و روز حساب پیدا می‌کند. چون ایمان، نور و روشنی‌بخش است و به انسان، جهان‌بینی و اعتقاد و عمل می‌دهد. اما کفر که زاینده جهل است، خود ظلمت و تاریکی و در نتیجه سبب گمراهی است. و در آن نه بینش صحیح از کل عالم هستی است و نه اعتقاد درست و عمل صالح و خیری وجود دارد.

**«وَاللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاءُ هُمُ الظُّلُمَاتُ يُخْرِجُهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»**

(سوره بقره - آیه ۲۵۷)

(خدا یار اهل ایمان است آنان را از تاریکی‌های جهان بیرون آورد و به عالم روشنایی برد و آنان که راه کفر گزیدند یار ایشان شیطان و دیو راهزن است آنها را از جهان روشنایی به تاریکی‌های گمراهی افکند. این گروه اهل دوزخ و در آن جاودان خواهند بود.)

در حال حاضر که نیازهای آنی انسانی بر کسب اطلاع و خبر و نیز برای حل مسائل فوری از طریق رسانه‌های دیداری شنیداری برطرف می‌گردد. اما از آنجا که رفع نیازهای کوتاه‌مدت، عموماً تغییری در زندگی نسل بشر نمی‌دهد و انسان امروزی از برای دگرگونی و پیشبرد زندگی خویش ناگزیر است نیازهای واقعی و عمقی و معنوی خود را با خواندن کتاب و مطالعه سرگذشت پیشینیان و با تفکر و تعقل درباره جهان و راز آفرینش آن برطرف نماید و به یافته‌های جدید دست یابد که یافته‌های جدید، سبب آسایش و آرامش خود و دیگران گردد. ۱۷ به همین سبب توصیه شده است که در



می‌توان گفت کتابخانه و اجتماع در طول تاریخ، همپای هم پیش رفته و یکی بر دیگری تأثیر گذاشته است. به طوری که انحطاط این یکی با زوال آن و رشد آن یکی با ترقی این همراه بوده است.

توسعه کتابخانه‌ها و ایجاد مراکز مطالعاتی و اطلاعاتی جهت کسب آگاهی مردم در یک جامعه می‌تواند نشانه‌ای از رشد فکری و فرهنگی مردم آن جامعه باشد.

در جهان امروز، رشته‌های مختلف علوم، با سرعت تمام به پیش می‌رود و با مطالعه در علوم و فنون مختلف، مجهولات عدیده حل و نوشته‌های علمی در اندک زمانی کهنه و منسوخ می‌گردد. و نوشته‌های جدید جایگزین آنها می‌شود. در این مورد تنها کتابخانه‌ها قادر به برآوردن نیاز و تقاضای خوانندگان می‌شود و فقط آن می‌تواند به پرورش عادت مطالعه در خوانندگان تأثیر عمیقی داشته باشد و این نهادها، از جهت ارائه اطلاعات و فراهم ساختن کتب تازه چاپ، برای افراد جامعه اهمیت حیاتی دارند و یکی از نهادهای پر اهمیت اجتماعی در پیشرفت جامعه به شمار می‌آیند که باید در گسترش آن کمر همت بست. زیرا محققین اجتماعی علل عمده عدم مطالعه مردم را توزیع نامتعادل و کمبود کتاب، عدم گسترش کتابخانه‌ها و محرومیت باسوادان و نوسودان از دسترسی به کتاب می‌دانند. عدم وجود کتابهای تازه و مورد علاقه افراد باسواد و عدم وجود کتابخانه‌های مجهز و پرمتنوی قابل دسترس به افراد مختلف جامعه، به تدریج انسان باسواد را از مطالعه کتاب دور نگه می‌دارد. چنین انسانی از حق خواندن و دانستن محروم می‌ماند و محکوم بدان می‌شود که از پیشرفت بازماند.<sup>۱۸</sup> شناخت پیدا نکند و در نتیجه در جهل و کفر و عناد و غرور و تکبر غرق شود و موجب بدبختی خود و دیگران گردد. آرامش جامعه را بر هم زند، سخن حق را قبول نکند در ذلت زندگی کند زور و ستم را از ستمگران بپذیرد و زمانی هم، خود زور بگوید و ستم کند و سرانجام دچار عذاب الهی گردد.

از این رو، باید گفت که تلاش در باسواد کردن قشر عظیم جامعه، زمانی می‌تواند راه‌گشای مسأله باشد که آموختن خواندن و نوشتن به بی‌سوادان، امکان دسترسی به مواد خواندنی را برای پیشبرد مهارتهای خود به دنبال داشته باشد و خواندن بخشی از فعالیت‌های ذهنی مردم گردد تا در مدتی

سکوت و آرامش به مطالعه و قرائت کتاب (قرآن)، این کاملترین کتاب آسمانی پردازید تا بتوانید مفاهیم آنرا بخوبی درک کنید.

### «فَاقْرَأْ مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»

(المؤمن - آیه ۲۰)

#### (شب را به خواندن قرآن بپردازید.)

کتاب که مهمترین وسیله انتقال حقایق و سخننگوی پیشینیان و کارنامه فرهنگ و معرفت بشر و اسباب فزونی دانش و ادبیات و بیان‌کننده تلخی‌ها و محرومیت‌ها و تلاشها و کامیابی‌ها و پیروزی رفتگان در مسائل علمی و نشانه تسلسل تفکرات می‌باشد قرن‌ها نقل و انتقال و گسترش دانش، فرهنگ، هنر، تعمیم آموزش و پرورش و ایجاد نزدیکی ملتها از نقطه‌ای به نقطه دیگر را بر عهده داشته است و آگاهی لازم را خیلی سهل و آسان و هر وقت که انسان اراده کند در اختیارش قرار می‌دهد. به همین سبب است که در اسلام به حفظ و نگهداری کتاب و به مطالعه آن تأکید فراوان شده است.

### «وَاحْتَفِظُوا بِكُتُبِكُمْ فَإِنَّكُمْ سَوْفَ تَحْتَأُونَهَا»

(کتابهای خود را نگهداری کنید که به زودی به آنها نیاز پیدا خواهید کرد.)

در طول تاریخ، در جامعه، هر چقدر کتابخانه گسترش داشته، میزان مطالعه افراد نیز، افزایش یافته است. و کتابخانه به عنوان یک نهاد اجتماعی، پیوسته بازتابی از شرایط زمان بوده است. و دیده شده، هنگامی که در جامعه‌های کتابهای فراوان منتشر شده و تعداد کتابخانه‌ها فزونی یافته، حق خواندن نیز بر همگان مسلم و محترم گشته و کتابخوانی جزء ضروریات زندگی گردیده و اهل علم و ادب مقام و منزلت والایی یافته است، جامعه در دوره آرامش و شکوفایی بسر برده است. و زمانی هم که مجموعه‌ای کتاب برای همگان قابل دسترسی نبوده و یا به نحوی کتاب و کتابخانه در بین مردم از اهمیت خاصی برخوردار نبوده و رو به انهدام و نیستی گذارده، و مردم با کتاب و مطالعه آن بیگانه گشته و به اهل علم با دیده حقارت نگریسته شده، خود جامعه نیز دوران انحطاط و تاریکی را بسر برده است و در فقر فرهنگی، علمی، سیاسی و اقتصادی غرق شده و سرانجام در چنگال استثمار و استعمار و جهل و بدبختی گرفتار شده است و آن جامعه به کفر و الحاد کشیده شده است.





کوتاه، سوادشان به دست فراموشی سپرده نشود. با سواد کردن افراد بی سواد جامعه گام اولیه ایست که باید گام های بزرگ را به دنبال داشته باشد. تولید و توزیع کتاب برای آنها، ایجاد و گسترش کتابخانه و اساساً بوجود آوردن امکانات مناسب مطالعه و بازآموزی و ترویج کتابخوانی به عنوان فعالیت ذهنی و فرهنگی و عقیدتی و سیاسی، لازمه زندگی متعالی انسان آگاه است. زیرا در غیر این صورت افراد باسواد، اندک اندک ره به سوی وادی کم سواد و جاهل خواهند برد و گرسنگی کتاب و فقر مطالعه در جامعه حاکم خواهد بود که گرسنگی جسم را به یاری عقل می توان از میان برداشت و عقل قدرت و توانایی نمی یابد. درک حقایق و راز و رمزگشایی نمی کند مگر اینکه خواندن و آموختن و اندیشیدن پیگیر و مستمر، یار و یاور عقل باشد.

گرسنگی فکر و گرسنگی جسم با هم ارتباط مستقیم دارند و در فرهنگ دینی ما نیز نیاز به غذای جسمی با نیاز به غذای فکری برابری می کند و از اینکه برخی تدبیر معیشت می کنند ولی برای غذای فکری خود تدبیری نمی اندیشند اظهار شگفتی شده است.

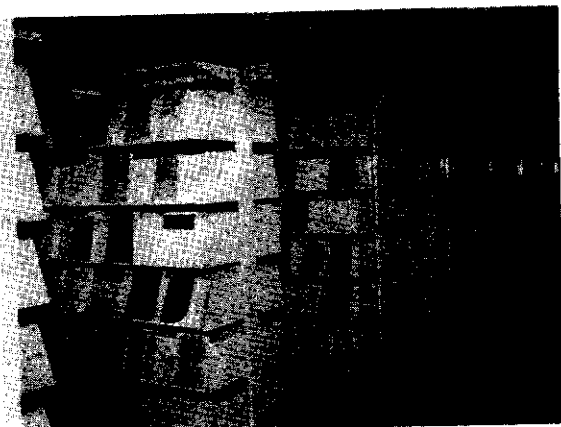
**«عَجِبْتُ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَا كَوَّلَهُ وَلَا يَتَفَكَّرُ فِي مَقُولِهِ»**

طبق آمار یونسکو، در هر دقیقه یک کتاب در جهان چاپ می شود که از این میزان ۸۱٪ به کشورهای پیشرفته جهان که حدود ۳۱٪ جمعیت جهان را تشکیل می دهد اختصاص دارد و ۱۹٪ آن به کشورهای در حال توسعه اختصاص دارد که در این کشورها ۷۰٪ جمعیت جهان زندگی می کنند.<sup>۱۹</sup>

باید اذعان داشت که کتاب یک پایه مهم فرهنگ است و به تعبیر علوم اطلاع رسانی، کتاب یک زیربنای اطلاعاتی عمده می باشد. این زیربنای اطلاعاتی و پایه فرهنگی نمی تواند به تکامل فرهنگی منجر شود مگر اینکه به لحاظ کمی و کیفی رشد یابد. برای این کار به نشر و تولید کتاب در سطح گسترده و به قیمت ارزان و توسعه کتابخانه ها در هر شهر و روستا و در هر کوچه و برزن باید اقدام گردد.<sup>۲۰</sup>

با تشویق مردم به مطالعه و آگاه کردن آنان از اثرات مطالعه در زندگی فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی، کتابخوانی و مطالعه، مثل سایر مایحتاج زندگی جزء ضروریات زندگی مردم گردد تا تحولات عظیم فرهنگی و علمی و سیاسی و اقتصادی به وقوع بپیوندد و به ایجاد شناخت واقعی از جهان خود و در

نتیجه به ایجاد شناخت کامل از خدا، که نشانه تکامل معنوی انسان است منجر گردد. و این امر ابتدا از وظایف خانواده هاست که برای ایجاد عادت مطالعه در بچه ها و ایجاد سرگرمی های سالم و پر کردن اوقات فراغت آنها، کتاب و مواد خواندنی در اختیارشان قرار دهند تا بچه ها با ابزار اطلاعاتی آشنا و مأنوس گردند و خود را با آنها سرگرم سازند و با دیدن تصاویر کتابها و مطالعه آنها بر وسعت دید و معلومات و آگاهی خویش بیفزایند و هنگامی که بچه پا به مدرسه می گذارد و به طور سیستماتیک آموزش می بیند. محیط آموزشی، امکانات مطالعه را فراهم سازد و به طور سهل و آسان امکانات لازم را جهت مطالعه، در اختیارش قرار دهد و از طرف مسئولین آموزشی و تربیتی مورد تشویق و ترغیب قرار گیرد. اهمیت مطالعه را مسئولین تربیتی و آموزشی، بر دانش آموزان متذکر شده و ساعات مطالعه اجباری، به طور جدی و عملی در برنامه های درسی گنجانده شود و به دادن آموزش های لازم جهت بهره گیری مطلوب از مواد خواندنی اقدام و روش های صحیح مطالعه توسط متخصصین فن و صاحب نظران تدریس گردد تا رغبت به مطالعه در کودک از همان اوایل کودکی بوجود آید. زیرا در حال حاضر مشکل اصلی، محدود بودن کتابها نیست، بلکه مشکل اصلی این است که هنوز مردم جامعه ها، حتی افراد باسواد و حتی کسانی که از تحصیلات بالایی برخوردارند بر خواندن کتاب عادت ندارند زیرا از همان کودکی، این امر بی اهمیت تلقی شده و بنابراین تألیف و ترجمه کتابها که خدمت بزرگی محسوب می شود در دین مبین اسلام، ایجاد عادت به مطالعه در بین مردم از آن مهمتر و پر ثواب تر است.





## منابع و مآخذ

۱. سینایی، علی. انتخاب کتاب، راهنمای کتابداران و کتابخانه‌ها. تهران: مرکز مدارک علمی، ۱۳۵۵. ص ۱.
۲. سولسو، رابرت ال. روان‌شناسی شناختی. ترجمه فرهاد ماهر. تهران: رشد، ۱۳۷۱. ص ۳۶۵.
۳. عزتی، ابوالفضل. آموزش و پرورش. تهران: بعثت، ۱۳۵۹. ص ۱۴۶.
۴. استیجیچ، الکساندر. کتاب در بونه تاریخ. ترجمه حمیدرضا آذیر و حمیدرضا شیخی. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲. ص ۴۷۵.
۵. کردعلی، الاسلام و الحضارة العربیه. چاپ دوم. ص ۷۲.
۶. گاور، آلبرتن. تاریخ خط. ترجمه عباس مخبر و کورش صفوی. تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۷. ص ۸.
۷. طباطبائی، محمدحسین. ترجمه و تفسیر المیزان. ج ۳۹. تهران: انتشارات محمدی، ۱۳۶۶. ص ۵۰.
۸. تیریزی، مصطفی. کتاب درمانی. تهران: انتشارات فراوان، ۱۳۷۲. ص ۳۱.
۹. دال، سوند. تاریخ کتاب از کهن‌ترین دوران تا عصر حاضر. ترجمه محمدعلی خاکساری. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲. ص ۱۸.
۱۰. حزی، عباس. مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی. تهران: دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، نشر کتاب، ۱۳۷۲. ص ۱۷.
۱۱. نادری، عزت‌اله و سیف ترافی، مریم. روشها و تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی. تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۱. ص ۲۴۳.
۱۲. سیبغی، محمدعلی مکی. تاریخ کتابخانه‌های مساجد. ترجمه محمد عباسپور و محمدجواد مهدوی. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳. ص ۸۳.
۱۳. عزتی، ابوالفضل. آموزش و پرورش. تهران: بعثت، ۱۳۵۹. ص ۱۵۸.
۱۴. مدیر شانه‌چی، کاظم. کتاب و کتابخانه در اسلام. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴. ص ۶۷.
۱۵. استیگر، رالف سی. راههای تشویق به مطالعه. ترجمه پروانه سپرده. تهران: دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، ۱۳۷۰. ص ۱۹.
۱۶. آدلر، مارتیجرچی و دورن، چارلز ون. چگونه کتاب بخوانیم. ترجمه محمد صراف تهرانی. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱. ص ۹۰.
۱۷. سیف، علی‌اکبر. روش‌های مطالعه. تهران: انتشارات رشد، ۱۳۶۹. ص ۸۷.
۱۸. ابرامی، هوشنگ. کتاب و پدیده کم‌رشدی. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۷. ص ۴۳.
۱۹. شکوتی، علی. گرسنگی کتاب. تبریز: دانشگاه تبریز. ص ۱۰۸.
۲۰. النباخ، فیلیپ جی و راگبر، اوا - مریا. نشر کتاب در جهان سوم. ترجمه علی شکوتی. تبریز: دانشگاه تبریز، ۱۳۶۴. ص ۵۸.
۲۱. صباغ‌پور، علی‌اصغر. درآمدی بر جامعه‌شناسی کتاب و کتابخوانی. مجله دانشگاه انقلاب (ویژه‌نامه ۱۳۵۷). ص ۱۴۰.
۲۲. نهج البلاغه دامه ۳۱ کلام ۲۲. چاپ دوم. ترجمه جعفر شهیدی. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰. ص ۲۹۷.

اگر کودک با میل و رغبت به مطالعه و تحصیل پردازد و عادت مطالعه در او بوجود آید، این مطالعه به او شناخت می‌دهد و در او ایمان به وجود می‌آورد که این شناخت و ایمان در هنگامی که فرد بزرگ می‌شود بزرگترین اسلحه وی جهت مقابله با فساد و فرهنگ غلط می‌گردد و بچه با دیدی مکتبی به جهان می‌نگرد و طرزنگاه وی و شناخت او از جهان موجب تحول و تکامل اجتماع می‌گردد.<sup>۲۱</sup> و با عنایت به فرمایشات مولای متقیان حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) در ذهن کودک هر بذری پاشیده شود ذهن آنرا می‌پذیرد و آن مطالب در ذهن کودک نقش می‌بندد.<sup>۲۲</sup>

«وَأَيُّمَا قَلْبًا كَلَّمْتَهُ كَلَّمْتَهُ مَا أَتَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ وَ قَلْبَتَهُ»

(و دل جوان هم چون زمین ناکشته است هر چه در آن افکنند بپذیرد)

مطالعه کتاب موجب توسعه فکر و درون‌ذهنی شدن ارزشهای اجتماعی و پرورش خلاقیت‌ها می‌شود و با این مکانیسم، توسعه فرهنگی در جامعه تحقق می‌یابد. در جهان امروز فرهنگی پویا و قدرتمند است که مردم آن پیوسته همنشین کتاب بوده و به تعبیری مسحور کلمات نوشتاری و چاپی می‌باشند.

امید است که برای سعادت خود در دنیا و آخرت، جهت همسویی با اهداف عالیة اسلام و قرآن، کتابخوانی با شناخت کامل، جزء ضروریات زندگی و حتی بالاتر از نیازهای اولیه انسان در جوامع اسلامی گردد و به یک سیره و سنت و فرهنگ مبدل شود.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته